

پالیسی نشراتی تلویزیون نور ایجاب تأمل دارد

مضمون عالی و پر محتوایی تحت عنوان «تلویزیون نور و وحدت ملت افغان» را از قلم محترمه میرمن ملالی موسی نظام در پورتال وزین افغان جرمن آنلاین مطالعه کردم. نوشته بسیار عالی و وطن پرستانه بود و درجه عشق نویسنده را به وطن و وطندارانش به وضاحت نشان میداد. پورتال افغان جرمن آنلاین این نوشته زیبا را در درجه نظر خواهی گذاشته است که کار نهایت نیک و بجا می باشد.

من بسیار آرزو داشتم زودتر در آن باره چیزی بنویسم ولی مصروفیت های خانه، صحت و بیکاری مانع زود نوشتنم شد. خوشوقتم که اینک فرصت آن پیدا شد تا سطری چند بنویسم.

همانطوریکه میرمن نظام نقش مطبوعات را در نگرهبانی منافع ملی کشور مهم پنداشته اند، من هم عرض میکنم که بلی تلویزیون ها و سائر رسانه های جمعی و از جمله انترنت که امروز از وسایل پیشرفته ترین انتقال سریع اخبار و نشرات بحساب می آیند وظیفه دارند در راه تأمین صلح و استحکام وحدت ملی بین باشندگان وطن تلاش نمایند و از بذر تخم نفاق و تفرقه بین اقوام برادر افغانستان جداً جلوگیری کنند.

بقرار اظهار میرمن نظام که می نویسند :

«**تلویزیون نور**» هم که از کلیفورنیای شمالی پروگرام دارد، از همان ابتداء به نشرات چپ و راست، اذهان بینندگان و شنوندگان را مغشوش و سردرگم میساخت. بدین معنی که گاهی با اشتراک ملی گرایان واقعی اوضاع و احوال وطن و مردم را بیطرفانه بررسی و با قضاوت مطرح مینمود و گاهی دیگر، به دستور ائتلاف شمال و جمعیت ربانی، به قهرمان سازی و تبلیغات دردناک میان خالی پرداخته، سبب انزجار و افسوس بینندگان را فراهم می آورد...»

من اضافه می کنم که اگر این تلویزیون در خدمت شورای نظار و جمعیت «بحران الدین ربانی» قرار دارد، ممکن در ظاهر از طرف آقای بیات خریداری شده باشد، ولی در باطن از طرف کشور آزمنند «ایران» خریداری شده است. چه اگر چنین نمی بود آدم های نظیر «قادری» ها، «پدرام» ها، «منصور» ها، «چکری» ها و بالاخره آدم کوچکی بنام «فرید یونس» نمیتوانست در آن راه یابد، و در عالم نا فهمی در باره (پشتون ستیزی)، (مسخره؟؟؟ نشان دادن خط دیورند)، (بی حرمتی به بزرگان افغانستان) و (قهرمان سازی های تهوع آور) فتوا صادر کند. ... و بر آتش تفرقه بین اقوام افغانستان جنگ زده و ویران پترول بریزد... از تعریف و تمجید غلط و علمیت میان خالی خویش مردم و شنوندگان تلویزیون را دل بد بسازد. و ... و ...

نباید فراموش کرد که این نظرات و فتوا های فرید یونس برهیچ یک از هدایات اسلام استوار نمی باشد. چه صدور فتاوی و تفسیر متون آنها باید تنها توسط علمای متبحر دینی صورت گیرد و محفوظ به آنها باشد، نه اشخاص محجر الذهنی مانند فرید یونس و امثال وی.

جای تشویش است که ما امروز در برابر مفتی های قرار داریم که از ورای رادیو ها و تلویزیون های بی بند و بار فتوا های نا بجا صادر میکنند، و اکثر آن هم جوابگوی سوالات مختلف طرح شده پیرامون تفسیر متون مذهبی نمی باشند. دانشمندان امروزی تشویش دارند که مبادا سخنان و گفته های ملا ها، خطیبان و امامان جای آیات قرآنی را بگیرد و هدایات الهی تحریف گردند. چه رسد به اینکه آدمی بسوی فرید یونس، که خود را عالم دین تراشیده است از طریق تلویزیون نور برای ما فتوی صادر کند!! این چیز دیگری نخواهد بود جز اینکه آقای یونس شنوندگان و بینندگان را مردم عامی و ساده انگار و بی قضاوت تصور میکند.

رسانه های صوتی و تصویری بنا بر مسؤولیت بزرگ شان، باید از ورود اشخاص نا آگاه و خود خواه و شهرت طلب در نشرات تلویزیونی خویش جداً جلوگیری کنند و نگذارند تا هرکس زیر نام عالم و داکتر و پروفیسر که هیچگونه احاطه ای بر علوم دینی ندارند و سعی مینمایند تا مردم شریف ما را به جان هم بیاندازند و از راه توهین و تحقیر اقوام تخم تفرقه و دشمنی بپاشند.

تشویش من این است که اگر جلو صدور فتوا های قرون وسطی فرید یونس و امثال وی گرفته نشود، ممکن فردا کسانی پیدا شوند که فتاوی عکس آنرا صادر کنند و برای جامعه افغانی ما جنجالی خلق نمایند. چنانچه در کشور مصر که جامع الازهر یکی از مراکز مهم اسلامی برای صدور فتاوی بوده و هست، در این اواخر یک تعداد فتاوی عجیب و غریبی از طرف بعضی از علمای آن صادر شده که موجب حیرت و تعجب مردم آن کشور گردیده است. مثلاً :

يك متفكر اسلامي مصري به نام " جمال البنا" در خصوص حلال بودن بوسه بين دختران و پسران جوان" در اماكن عمومي فتوايي صادر کرده که بحث و جدال وسيعی را در بين مجامع علمي و ديني مصر ايجاد کرده است. (شما ميتوانيد متن مڪمل اين فتوا را با اعتراضات علمای آنکشور و خاصتاً اعتراضات اخوان المسلمین مصر در گوگل [http://www.google.fr] مطالعه فرمائيد.

يا مثلاً

داکتر عزت عطيه رئيس بخش حديث الازهر، فتوا داده است : اگر دو همکار (يك زن و يك مرد) در يك اتاق که درب آن توسط فردی جز آنها باز نمی شود، کار میکنند، بخواهند بين آنها محرمیت ايجاد شود، زن ميتواند پنج بار از شیر خود به همکار مرد خود بدهد و بدین ترتیب آنها با هم محرم و حضورشان در يك اتاق، شرعی میشود. براساس اين فتواي، در صورتیکه اين عمل انجام شود، زن ميتواند چهره و موهای خود را به مردی که شیرش را خورده است، بنماید. [http://www.google.fr] و فردا کس دیگری پیدا خواهد شد و فتوا خواهد داد که ترانس سکسوالیتی [transsexualité] حلال است. در آنصورت خواهد بود که بازار هدایات و نظریات و فتوا ها برای آقای فرید یونس چوک خواهد شد.

درحالیکه هر سه تلویزیون افغانی از ایالت کالیفورنیا نشرات دارند و هر کدام ساعاتی را به ارشادات دینی و مذهبی اختصاص میدهد، چگونه هجویات و جفگیاتی را که فرید یونس با تحریف دین مقدس اسلام، آیات قرآن مجید و احادیث پیغمبر «ص» نادیده گرفته و اغماض مینماید؟ اگر هدف این پروگرام های مذهبی رهنمایی افغانان مهاجر و فامیل های آنان میباشد، پس هیچگونه مذمت و انتقادی در مورد سفسطه سرائی های فرید یونس بر دین اسلام صورت نمیگیرد؟ مگر وظیفه اسلامی، افغانی و علمی آنان چنین وجبیه ایرا ايجاد نمی نماید؟

بهر حال در چنین شرائطی که وطن در شعله های فقر، بی امنیتی، فساد اداری و چور و چپاول دولت داران و حتی نمایندگان «قلابی» مردم در پارلمان، بیرحمانه میسوزد، در گوشه دیگری از جهان پهناور، شخصی بنام فرید یونس با همکاری با ائتلاف شمال و داکتر عبدالله و بحران الدین ربانی، با اهانت به قوم پشتون و تفرقه اندازی بين اقوام شریف افغان، آن آتش را شعله ور تر میسازد.

امیدواریم که جناب آقای احسان الله بیات با توجه به شکایات مردم که صدای جوامع افغانی در مهاجرت است، توجه جدی به عمل آورده و نگذارد که خدای نکرده وحدت مردم افغانستان توسط این بیخردان به خطرات بیشتری مواجه گردد.

پایان